

تأثیر توسعه مالی بر تجارتهای کشورهای ملحق شده به WTO (مقایسه تجارت کل با تجارت خدمات)

محمد راستی* و جواد رضایی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۲۶

این مقاله با استفاده از روش اقتصادسنجی پانل دیتا و برای دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶، به بررسی تأثیر توسعه مالی بر تجارتهای کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت (WTO) می‌پردازد. نتایج نشان‌دهنده این مهم بوده که توسعه مالی تأثیری مثبت بر کل تجارت و تأثیری منفی بر تجارت خدمات این کشورها داشته است. با وجود این، با توجه به شناخت توسعه مالی به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده توسعه کل تجارت و نه تنها بخشی از تجارت (تجارت خدمات) در کشورهای یادشده و این مهم که تأثیر مثبت توسعه مالی بر تجارت حدود دو برابر تأثیر منفی آن بر تجارت خدمات این کشورهاست، بهبود و توسعه بخش مالی به‌منظور افزایش عملکردهای اقتصادی و تجاری پیشنهاد شده است.

طبقه‌بندی JEL: G10, F13, O16.

کلیدواژه‌ها: توسعه مالی، تجارت، تجارت خدمات، سازمان جهانی تجارت.

* عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی:

mrasti20@yahoo.com

** عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، پست الکترونیکی: jrezaea@yahoo.com

۱- مقدمه

با توجه به اهمیت بخش مالی و ارتباط این بخش با بخش‌های دیگر از جمله بخش واقعی، در سال‌های اخیر ضرورت بررسی نقش توسعه مالی بر تجارت مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. به عبارت دیگر، شناسایی توسعه مالی به‌عنوان عامل تشکیل‌دهنده توسعه تجارت در این کشورها برای انتخاب اولویت‌های سیاست‌گذاری در توسعه تجارت یا اصلاح و توسعه این عامل، به‌خصوص در فرآیند الحاق به سازمان جهانی تجارت (WTO) مهم است. از این رو، هدف مقاله حاضر بررسی تأثیر توسعه مالی بر تجارت به‌طور عام و تجارت خدمات به‌طور خاص در کشورهای ملحق شده به WTO است. بدین معنا که اگر توسعه مالی تأثیری مثبت بر تجارت داشته باشد، به‌منظور رشد و گسترش سطح تجارت سیاست‌های بهبود و اصلاح بخش مالی تأکید می‌شود، اما در صورت برآورد تأثیر منفی توسعه مالی بر وضعیت تجارت، استفاده از سیاست‌های توسعه مالی به‌منظور گسترش و بهبود تجارت بدون فایده است و اولویت‌های سیاست‌گذاری برای توسعه تجارت باید به بهبود و توسعه سایر عوامل تعیین‌کننده توسعه تجارت معطوف شود.

یادآوری می‌شود، در سال‌های اخیر سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی جهان به ۷۰ درصد رسیده است. این در حالی بوده که سهم بخش صنعت ۲۷ درصد و سهم بخش کشاورزی تنها ۳ درصد تولید ناخالص داخلی جهان بوده است. بنابراین، در این مقاله با توجه به اهمیت بخش خدمات، علاوه بر تأثیر توسعه مالی بر کل تجارت به‌طور عام، به بررسی تأثیر آن بر تجارت خدمات به‌طور خاص نیز پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، تأثیرپذیری مثبت یا منفی دو مؤلفه تجارت و تجارت خدمات از توسعه مالی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور ابتدا ادبیات موضوع در مورد نقش توسعه مالی بر تجارت مرور می‌شود. سپس، الگوی مناسب و برآورد و تحلیل آن به‌منظور بررسی تأثیر توسعه مالی بر تجارت و تجارت خدمات کشورهای ملحق شده به WTO ارائه می‌شود. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی در پایان می‌آید.

۲- مروری بر ادبیات موضوع

هرچند موضوع اهمیت توسعه مالی به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده توسعه تجارت مورد توجه اقتصاددان قرار گرفته است، اما این مطالعات برخلاف ارتباط توسعه مالی و رشد اقتصادی، بسیار بدیع و معدود و در هر دو بعد نظری و تجربی در ابتدای کار قرار دارد. در واقع، به‌جز موارد بسیار

تأثیر توسعه مالی بر تجارت کشورهای ملحق شده به WTO ۱۵۳

معدودی (مانند مطالعه کلتزر و باردن^۱، ۱۹۸۷) که اشاره‌هایی در این زمینه داشته‌اند، اقتصاددانان این موضوع را در هر دو بعد نظری و تجربی از سال ۲۰۰۲ و به‌خصوص از سال ۲۰۰۴ مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابه اهمیت موضوع در این قسمت به بررسی مهم‌ترین مطالعات صورت گرفته در این خصوص می‌پردازیم.

مطالعه کلتزر و باردن (۱۹۸۷)، دلالت بر این موضوع دارد که کشورهایی که به‌طور نسبی از بخش مالی توسعه یافته‌تری برخوردارند، دارای مزیت نسبی در صنایع و بخش‌هایی هستند که به منابع مالی خارج از بنگاه اتکا دارند. براساس مطالعه سوالرد و ولاچز^۲ (۲۰۰۲)، توسعه نهادها و بازارهای مالی از طریق تنوع بخشیدن به ریسک می‌تواند به کاهش موانع و محدودیت‌های تجاری کمک کند. همچنین سوالرد و ولاچز با توجه به مطلب آخر و همچنین نظریه آلسینا و واسزیارگ^۳ (۱۹۹۸)، مبتنی بر اینکه هزینه خود کفایی در کشورهای بزرگ‌تر کمتر از کشورهای کوچک‌تر است - بدین معنا که کشورهای با بازارهای بزرگ در مقایسه با کشورهای با بازار کوچک از درجه باز بودن کمتری برخوردارند - به معرفی و اجرای الگوی (۱) پرداختند. به‌علاوه فلسفه انتخاب متغیر تولید ناخالص داخلی به‌عنوان عامل تشکیل‌دهنده سیاست تجاری توسط سوالرد و ولاچز بدین شرح بیان شده است که تقاضا برای کالاهای متنوع خارجی با افزایش ثروت و تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد.

$$(۱) \text{ (اندازه بازار، تولید ناخالص داخلی و توسعه مالی) } f = \text{سیاست تجاری}$$

در رابطه یادشده درجه باز بودن تجاری به‌عنوان شاخص سیاست تجاری^۴، سهم تولید ناخالص داخلی کشور به کل دنیا به‌عنوان شاخص اندازه بازار^۵ در نظر گرفته شده است. نتایج به‌دست آمده از تحقیق یادشده دلالت بر وجود ارتباط مثبت و معنادار دوطرفه بین توسعه مالی و سیاست‌های آزادسازی تجاری دارد.

بک^۶ (۲۰۰۲)، یافته‌های مطالعه خویش را به‌عنوان نظریه جدید تجارت تعبیر می‌کند. بدین معنا که اگر دو کشور به یک اندازه باشند، کشوری که با هزینه‌های جست‌وجوی کمتری مواجه بوده،

-
- 1- Kletzer and Bardhan
 - 2- Svaleryde and Vlachos
 - 3- Alesina and Wacziarg
 - 4- Trade Policy
 - 5- Market Size
 - 6- Beck

از موجودی سرمایه بیشتری برخوردار است. از این رو، کشور مزبور می‌تواند از صرفه‌های ناشی از مقیاس بیشتری بهره‌جوید و به عبارت دیگر، دارای مزیت نسبی در کالاهای با صرفه‌های ناشی از مقیاس باشد. براساس این، وی یک الگوی اقتصاد باز را با دو فناوری متفاوت تولیدی - یکی با بازدهی ثابت ناشی از مقیاس (بخش غذا) و دیگری با بازدهی صعودی نسبت به مقیاس (بخش صنعت کارخانه‌ای) - ارایه کرد. در الگوی مزبور تولیدکنندگان هر دو کالا، سرمایه خود را با گرفتن وام از پس‌اندازکنندگان افزایش می‌دهند. عدم تقارن اطلاعات بین وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان موجب اصطکاک در بازار و افزایش هزینه‌های جست‌وجو می‌شود. واسطه‌های مالی هزینه‌های جست‌وجو را با هدایت پس‌اندازها به کارآفرینان کاهش می‌دهند. در واقع، در این الگو، توسعه مالی به‌عنوان عامل کاهش هزینه‌های جست‌وجو و افزایش تأمین مالی از منابع خارج از بنگاه لحاظ شده است. از آنجا که توسعه مالی انگیزه‌های تولیدکنندگان را به سمت تولید کالاهای با بازدهی صعودی نسبت به مقیاس سوق می‌دهد، پدیده تخصصی شدن در بین بخش‌های اقتصادی و به تبع آن، جریان‌های تجاری، به وسیله سطح نسبی واسطه‌های مالی تعیین می‌شود.

در مجموع، مطابق الگوی نظری بک، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، اقتصادهای با سیستم مالی توسعه یافته‌تر، صادرکننده خالص در کالای با بازدهی صعودی نسبت به مقیاس هستند. به منظور بررسی این موضوع، بک براساس این فرض که تولید کالاهای صنعت کارخانه‌ای نسبت به تولید کالاهای کشاورزی یا خدمات دارای صرفه‌های ناشی از مقیاس بالاتر هستند، الگوی نظری مزبور را مورد آزمون تجربی قرار داد. نتایج اجرای این آزمون دلالت بر تأیید الگوی نظری پیش‌گفته داشت.

یافته‌های بکر و گرینبرگ^۱ (۲۰۰۵)، در بررسی ارتباط بین توسعه مالی و صادرات نشان‌دهنده این موضوع است که سیستم مالی بهتر موجب افزایش صادرات می‌شود. یافته‌های سوارلد و ولاچز (۲۰۰۵)، دلالت بر این مهم دارد که کشورهای با سیستم‌های مالی توسعه یافته، تمایل به متخصص شدن در صنایعی دارند که از درجه بالایی از وابستگی به تأمین مالی خارجی برخوردارند. در واقع، وجود تفاوت‌ها در سیستم‌های مالی، عامل تشکیل‌دهنده مهم‌تری در الگوی تخصصی بودن بین کشورهای OECD نسبت به وجود تفاوت‌ها در سرمایه انسانی است.

تأثیر توسعه مالی بر تجارت کشورهای ملحق شده به WTO ۱۵۵

هور، راج و ریانتو^۱ (۲۰۰۶)، به بررسی ارتباط بین توسعه مالی، دارایی‌های مشهود و تجارت بین‌الملل پرداختند. نتیجه نهایی تحقیق آنها در مورد رابطه بین توسعه مالی و تجارت بین‌الملل دلالت بر این موضوع دارد که کشورهایی که به‌طور نسبی از بخش مالی توسعه یافته‌تری برخوردارند، دارای مزیت نسبی در صنایعی که مشخصه آنها وجود دارایی‌های غیرقابل مشهود است، هستند. در مقابل، کشورهایی که از سطح ضعیف‌تر توسعه مالی برخوردارند، دارای مزیت نسبی در صنایعی هستند که مشخصه آنها وجود دارایی‌های قابل مشهود است. نتایج مطالعه کیم، لین و سوان^۲ (۲۰۱۰)، دلالت بر آثار مثبت توسعه مالی بر تجارت کشورهای غیرعضو OECD و آثار ناچیز توسعه مالی در تجارت کشورهای OECD دارد.

۳- معرفی متغیرها، ارایه الگو و روش اجرایی

در این قسمت، الگوی مناسب برای بررسی تأثیر توسعه مالی بر تجارت و تجارت خدمات در کشورهای ملحق شده به WTO ارایه و معرفی می‌شود. الگوی انتخابی این مقاله الهام گرفته از الگوی پیش‌گفته سوارلد و ولاچز (۲۰۰۲) بوده و دلیل انتخاب این الگو امکان بررسی نقش احتمالی دو عامل مهم تعیین‌کننده دیگر تجارت، یعنی اندازه بازار و تولید ناخالص داخلی سرانه است. مهم‌ترین مشخصه اصلی مطالعه حاضر، بررسی تأثیر توسعه مالی بر تجارت خدمات به‌طور خاص (علاوه بر کل تجارت) است. با توجه به تازگی موضوع رابطه توسعه مالی و تجارت، تاکنون مطالعه‌ای در خصوص تأثیر توسعه مالی بر تجارت خدمات، مشاهده نشده است. به‌علاوه با توجه به اینکه نمونه آماری، کشورهای ملحق شده به WTO هستند، متغیر مجازی برای بررسی تأثیر الحاق به WTO نیز به این الگو افزوده شده است.

$$Trade_i = \beta_1 + \beta_2 Finance_i + \beta_3 GDP_i + \beta_4 Size_i + \beta_5 Dum_i + \varepsilon_i \quad (2)$$

$$Tradeservices_i = \beta_1 + \beta_2 Finance_i + \beta_3 GDP_i + \beta_4 Size_i + \beta_5 Dum_i + \varepsilon_i \quad (3)$$

در رابطه (۲) متغیر Trade درجه باز بودن تجاری به‌عنوان شاخص توسعه تجارت و در رابطه (۳) متغیر Tradeservices درجه باز بودن تجارت خدمات به‌عنوان شاخص توسعه تجارت خدمات، هستند. در این روابط GDP تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت، Finance

1- Hur, Raj and Riyanto

2- Kim, Lin and Suen

شاخص توسعه مالی یا نسبت اعتبارات تخصیص یافته به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی و Size سهم تولید ناخالص داخلی کشور به کل دنیا به عنوان شاخص اندازه بازار و Dum متغیر مجازی الحاق به WTO در نظر گرفته شده‌اند. مطابق نظریه‌های ارائه شده در قسمت بررسی ادبیات، انتظار بر این است که ضریب متغیر Finance در الگوی شناسایی عوامل تعیین کننده توسعه تجارت مثبت و در الگوی شناسایی عوامل تعیین کننده توسعه تجارت خدمات منفی (به علت نظریه بک مبتنی بر تأثیر مثبت توسعه مالی بر تجارت کالاهای صنعتی و تأثیر منفی آن بر تجارت خدمات) باشد. همچنین مطابق مطالعات سوالرد و ولاچز و آلسینا و واسزیارگک انتظار بر این است که ضریب متغیر GDP مثبت و ضریب متغیر Size منفی باشد.

الگوی یادشده به وسیله روش اقتصادسنجی پانل دیتا و آزمون هاسمن در چهارچوب آن و برای دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۸۵ و در جامعه آماری کشورهای ملحق شده به WTO اجرا می‌شود. دلیل انتخاب کشورهای ملحق شده به WTO، این است که علاوه بر بررسی تأثیر توسعه مالی بر تجارت کل و تجارت خدمات امکان بررسی تأثیر الحاق به WTO نیز بر تجارت کل و تجارت خدمات وجود داشته باشد. یادآوری می‌شود، منظور از کشورهای ملحق شده به WTO، کشورهایی هستند که از سال ۱۹۹۵ به بعد و پس از تأسیس این سازمان در سال ۱۹۹۵، به عضویت آن درآمده‌اند.

نمونه آماری مورد بررسی ۲۴ کشور ملحق شده شامل کشورهای اکوادور، بلغارستان، مغولستان، پاناما، قرقیزستان، لتونی، استونی، اردن، گرجستان، آلبانی، عمان، کرواسی، لیتوانی، مولداوی، چین، تایوان، ارمنستان، مقدونیه، نپال، کامبوج، عربستان، ویتنام، تونگو، اکراین و کیپ‌ورد است. در بین ۳۱ کشور ملحق شده به WTO تاکنون، کشور تایوان و شش کشور اخیر که از سال ۲۰۱۲ به بعد به WTO ملحق شده‌اند، به دلیل محدودیت‌های آماری حذف شده‌اند. یادآوری می‌شود، داده‌های لازم برای کشورهای یادشده، از World Development Indicators, 2008 استخراج شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

نتایج جدول شماره ۱ که براساس اجرای آزمون هاسمن به دست آمده است، دلالت بر عدم تأیید اثر ثابت و تأیید اثر تصادفی در اجرای روش پانل دیتا در حالت استفاده از متغیر تجارت به عنوان متغیر وابسته و عکس آن (یعنی عدم تأیید اثر تصادفی و تأیید اثر ثابت) در حالت استفاده از متغیر تجارت خدمات به عنوان متغیر وابسته دارد. از این رو، اجرای روش پانل دیتا با استفاده از اثر

تأثیر توسعه مالی بر تجارت کشورهای ملحق شده به WTO ۱۵۷

تصادفی در حالت تجارت کل و با استفاده از اثر ثابت در حالت تجارت خدمات مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۱- نتایج آزمون هاسمن

Correlated Random Effects - Hausman Test			
Pool: POOL01			
Test cross-section random effects			
Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.
Cross section random	۲/۷۰۵۴۶۱	۴	۰/۶۰۸۳
Cross section random	۱۸/۲۱۷۹۰۹	۴	۰/۰۰۱۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

با توجه به جدول شماره ۲، ملاحظه می‌شود که متغیر شاخص توسعه مالی دارای ضریب مثبت و معنادار ۰/۱۹ است که این امر دلالت بر تأثیر مثبت توسعه مالی بر تجارت کشورهای ملحق شده به WTO دارد. از این رو، در کشورهای ملحق شده به WTO نظریه‌هایی که دلالت بر نقش تعیین‌کننده توسعه مالی بر تجارت دارد، مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین آثار افزایش متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه و متغیر مجازی الحاق به WTO بر تجارت (به ترتیب با برخورداری از ضرایب ۱۶/۶ و ۵/۳) مثبت و معنادار است که بر آثار مثبت متغیرهای یادشده بر تجارت کشورهای ملحق شده به WTO دلالت دارند. این در حالی است که مطابق نتایج به دست آمده، تأثیر متغیر اندازه بازار با ضریب ۲۳/۷- منفی و معنادار بوده و نشان‌دهنده این امر است که افزایش حجم اقتصاد این کشورها در بازار و اقتصاد جهانی موجب کاهش تجارت آنها می‌شود و به عبارت دیگر، تأثیر منفی بر تجارت آنها دارد.

جدول ۲- نتایج برآورد الگو با استفاده از روش پانل دیتا (اثرات تصادفی)

متغیر وابسته: TRADE تجارت				
دوره نمونه: ۱۹۸۵-۲۰۰۶				
تعداد سال: ۲۲				
تعداد کشورها: ۲۴				
کل مشاهدات: ۴۰۷				
متغیر مستقل	ضریب	انحراف معیار	t آماره	احتمال
C	-۳۴/۷۵۷۶۹	۴۲/۴۵۰۶۰	-۰/۸۱۸۷۸۰	۰/۴۱۳۴
FINANCE	۰/۱۹۰۴۰۹	۰/۰۷۴۶۲۰	۲/۵۵۱۷۲۴	۰/۰۱۱۱
LOG(GDP)	۱۶/۶۳۹۶۵	۵/۶۱۷۹۹۷	۲/۹۶۱۸۴۸	۰/۰۰۳۲
SIZE	-۲۳/۷۴۹۴۷	۷/۷۷۸۱۴۴	-۳/۰۵۳۳۵۹	۰/۰۰۲۴
DUM	۵/۲۹۲۹۳۷	۲/۳۸۹۶۱۱	۲/۲۱۴۹۷۸	۰/۰۲۷۳
R2		۰/۱۰۵۴۹۹	R2 تعدیل شده	۰/۰۹۶۵۹۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نتایج حاصل از برآورد الگو در حالت استفاده از تجارت خدمات به‌عنوان متغیر وابسته (جدول شماره ۳) نشان‌دهنده این موضوع است که توسعه مالی دارای ضریب منفی و معنادار ۰/۱۰ بوده و این امر نشان‌دهنده این مطلب است که افزایش سطح توسعه مالی تأثیری منفی بر تجارت خدمات (برخلاف کل تجارت) در کشورهای ملحق شده به WTO داشته است. همچنین تأثیر افزایش متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه بر تجارت خدمات با برخورداری از ضریب ۷/۸ مثبت و معنادار است که دلالت بر آثار مثبت این متغیر بر تجارت کشورهای ملحق شده به WTO دارد. این در حالی است که مطابق نتایج به‌دست آمده، تأثیر متغیر اندازه بازار با ضریب ۸/۹ مثبت و معنادار بوده و نشان‌دهنده این امر است که افزایش حجم اقتصاد این کشورها در بازار و اقتصاد جهانی موجب افزایش سهم تجارت خدمات آنها در اقتصاد می‌شود. به عبارت دیگر، برخلاف توسعه کل تجارت اندازه بازار تأثیری مثبت بر تجارت خدمات داشته است. بنابراین، در مورد تجارت خدمات کشورهای ملحق شده به WTO، نظریه‌هایی که مبتنی بر توسعه و درجه باز بودن کمتر کشورهای دارای بازارهای بزرگ در مقایسه با کشورهای با بازار کوچک است، مورد تردید قرار می‌گیرد. به‌علاوه ضریب متغیر مجازی الحاق به WTO مثبت، اما بی‌معنا بوده که نشان می‌دهد، الحاق به WTO تأثیر معناداری بر تجارت خدمات در کشورهای یادشده، نداشته است.

جدول ۳- نتایج برآورد الگو با استفاده از روش پانل دیتا (اثرات ثابت)

متغیر وابسته: TRADESERVICES تجارت خدمات				
دوره نمونه: ۲۰۰۶-۱۹۸۵				
تعداد سال: ۲۲				
تعداد کشورها: ۲۴				
کل مشاهدات: ۴۰۷				
متغیر مستقل	ضریب	انحراف معیار	t آماره	احتمال
C	-۴۶/۸۲۲۸۱	۱۲/۳۷۹۳۴	-۳/۷۸۲۳۳۵	۰/۰۰۰۲
FINANCE	-۰/۱۰۰۵۸۵	۰/۰۱۸۴۰۳	-۵/۴۶۵۸۲۵	۰/۰۰۰۰
LOG(GDP)	۷/۷۵۸۳۰۰	۱/۶۳۵۸۰۷	۴/۷۴۲۷۹۶	۰/۰۰۰۰
SIZE	۸/۸۸۶۵۵۵	۲/۳۸۴۱۴۷	۳/۷۲۷۳۵۲	۰/۰۰۰۲
DUM	۰/۸۵۱۴۶۰	۰/۵۳۷۰۹۴	۱/۵۸۵۳۱۰	۰/۱۱۳۸
R2	۰/۸۴۷۸۲۸		تعدیل شده R2	۰/۸۳۶۴۱۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۵- جمع‌بندی

توسعه مالی به عنوان عامل تعیین‌کننده توسعه تجارت در ادبیات اخیر اقتصاد بین‌الملل مورد تأکید قرار گرفته است. براساس این، مقاله حاضر به بررسی تأثیر توسعه مالی بر کل تجارت به طور عام و تجارت خدمات به طور خاص در کشورهای ملحق شده به WTO پرداخته است. براساس یافته‌های مقاله، توسعه مالی تأثیر مثبت بر کل تجارت (اعم از کالا و خدمات) و تأثیر منفی بر تجارت خدمات کشورهای مزبور داشته است. این مطلب نظریه پیش‌گفته (نظریه بک ۲۰۰۲، مبتنی بر این موضوع که بهبود و توسعه مالی موجب توسعه تجارت کالاهای صنعتی شده که نسبت به تولید کالاهای کشاورزی و خدمات از صرفه‌های ناشی از مقیاس بیشتری برخوردارند) را در کشورهای ملحق شده به WTO مورد تأیید قرار می‌دهد. در واقع، مطابق نظریه یادشده، توسعه مالی انگیزه‌های تولیدکنندگان را به سمت تولید کالاهای با بازدهی صعودی نسبت به مقیاس (کالاهای صنعتی) سوق می‌دهد و از آنجا که تولید کالاهای صنعت کارخانه‌ای نسبت به تولید

کالاهای کشاورزی یا خدمات دارای صرفه‌های ناشی از مقیاس بالاتر هستند، رشد و توسعه صنعتی جایگزین رشد و توسعه خدمات و تجارت خدمات می‌شود.

با وجود این، ضروری است بهبود و توسعه بخش مالی مورد توجه قرار بگیرد تا این بخش بتواند نقش مفیدتر و مؤثرتری را در عملکردهای اقتصادی، به‌ویژه توسعه تجارت، ایفا کند، زیرا مطابق یافته‌های مقاله، تأثیر مثبت توسعه مالی بر تجارت حدود دو برابر تأثیر منفی آن بر تجارت خدمات (۰/۱۹ در مقابل ۰/۱۰-) است.

مقاله در اهداف فرعی خود به بررسی تأثیر الحاق به WTO بر تجارت و تجارت خدمات می‌پردازد. نتایج حاکی است هرچند الحاق به WTO بر تجارت اثر مثبت داشته، اما تأثیر معناداری بر تجارت خدمات کشورهای مزبور نداشته که شناسایی دلایل این امر می‌تواند موضوع تحقیق مستقل دیگری باشد. سایر یافته‌های این تحقیق تأثیر مثبت سرانه تولید ناخالص داخلی بر هر دو مورد کل تجارت (کالاهای و خدمات) و تجارت خدمات را نشان می‌دهد. از این رو، افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی کشورهای یادشده موجب توسعه تجارت و توسعه تجارت خدمات می‌شود. همچنین اندازه بازار دارای تأثیر منفی بر کل تجارت و تأثیر مثبت بر تجارت خدمات کشورهای ملحق شده به WTO است. بنابراین، در بخش خدمات نظریه درجه باز بودن تجاری کمتر کشورهای دارای بازارهای بزرگ در مقایسه با کشورهای دارای بازار کوچک، مورد تردید قرار می‌گیرد و انجام مطالعات بیشتر در این خصوص ضرورت دارد.

منابع

- Arestis, P. and P. Demeriades (1997), *Financial Development and Economic Growth: Assessing the Evidence*, the Economic Journal, May 1997, 107.
- Beck, Thorsten (2002), *Financial Development and International Trade. Is There a Link?*, Journal of International Economics, June 2002, 57(1).
- Beck, Thorsten (2003), *Financial Dependence and International Trade*, Review of International Economics, 11.
- Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., & Levine, R (2000), *A new database on financial development and structure*, Policy Research Paper No. 2147. Washington, D.C.: World Bank.
- Becker, bo and David Greenberg (2005), *Financial Development and International Trade*, world bank.

- Hur, Jung; Manoj Raj and Yohanés E. Riyanto (2006), *Finance and Trade: A Cross-Country Empirical Analysis on the Impact of Financial Development and Asset Tangibility on International Trade*, World Development Vol. 34, No. 10.
- Kim, Dong-Hyeon; Shu-Chin Lin and Yu-Bo Suen (2010), *Are Financial Development and Trade Openness Complements or Substitutes?*, Southern Economic Journal, January.
- King, R. And R. Levine (1993), *Finance and Growth: Schumpeter Might be Right*, the Quarterly Journal of Economics, August.
- Kletzer, Kenneth, and Pranab Bardhan (1987), *Credit Markets and Patterns of International Trade*, Journal of Development Economics, 27.
- Levine, R (1997), *Financial Development and Economic Growth: Views and Agenda*, Journal of Economic Literature, June.
- Svaleryd, H. and Vlachos, J (2002), *Markets for Risk and Openness to Trade: How are They Related*, Journal of International Economics, 57.
- Svaleryd, Helena, and Jonas Vlachos (2005), *Financial Markets, the Pattern of Industrial Specialization and Comparative Advantage: Evidence from OECD Countries*, European Economic Review, 49.
- Unctad secretariat (2004), *Trade in Services and Development Implication*, Trade and Development Board, Commission on Trade in Goods and Services, and Commodities, Eighth session Geneva, 9–13 February 2004.
- Unctad secretariat (2007), *Trade and Development Implications of Financial Services*, Trade and Development Board, Commission on Trade in Goods and Services, and Commodities, Geneva, 20–21 February 2007.
- World Development Indicators* (2008), the World Bank.